



برای مثال در استان اوش در کوه حضرت سلیمان عده‌ای بالای کوه و تعدادی پایین کوه را اشغال کرده‌اند و برای افزایش درآمد با یکدیگر رقابت می‌کنند. به نظر می‌رسد راه بهبود وضع موجود عبارت است از ثبت فرقه‌های مذهبی بنابر اصل پایبندی آنها به قوانین. کنترل فعالیت مبلغان خارجی شرط بسیار مهمی به‌شمار می‌رود و دولت موظف است که خط و ربط سیاسی و اجتماعی آنها را کاملاً در نظر داشته باشد.

غیر از این مسائل یک کمیسیون لازم است تا مسائل موجود بین فرقه‌های مذهبی و دولت را حل و فصل نماید. در این صورت دولت می‌تواند با قدرت، نظارت کافی بر امور ادیان بنماید. نباید فراموش شود که پارلمان باید منابع تأمین مالی این فرقه‌های مذهبی را بررسی نماید.

روزنامهٔ رسپلیکاس - تهیه‌کننده: علیمحمد رمضانزاده

آیا باید دریای خزر را به حوضچه‌های خصوصی تقسیم کرد؟

ما دریای خزر را «دریا» می‌نامیم ولی مطابق با قوانین جغرافیای فیزیکی، این یک دریاچه است که با اقیانوس جهانی ارتباط ندارد. با پیدایش دولتهای استقلال یافته در ساحل خزر، برخی از سیاستمداران «مستقل» جدید در صدد تجدیدنظر در برداشتهای دیرینه از فضاهاى آبی و بازنویسی کتاب درسی جغرافیا برآمده‌اند. علت این گرایشهای جدید بسیار ساده است. اگر خزر دریا شناخته شود، رژیم حقوقی کنونی آن تغییر خواهد کرد و حقوق دریایی بین‌المللی شامل حال آن خواهد شد. آنگاه می‌توان این دریا را به وسیلهٔ مرزهای دولتی به چند قسمت تقسیم کرد و به فعالیت مستقل اقتصادی در این قسمتها پرداخت. اما اینگونه تقسیمات که به نحوی برای دریای واقعی و مرتبط با اقیانوس قابل قبول هستند، برای پدیدهٔ منحصر به فرد طبیعی و جغرافیایی مثل خزر، عواقب فاجعه‌باری خواهند داشت. طبق قرارداد منعقد شده بین ایران و اتحاد شوروی در سال ۱۹۴۰ دریای خزر حوزهٔ آبی داخلی دو کشور



همجوار اعلام شد که دو کشور بایستی مشترکاً از آن استفاده کنند. این رژیم حقوقی که توسط جامعه جهانی به رسمیت شناخته شده است، به دو کشور حق برابر کشتیرانی و صید ماهی را داد. هر طرفی در حدود فاصله ۱۰ مایلی از ساحل خود از حق استثنایی صید ماهی برخوردار بود. با توجه به اینکه دولت اتحاد شوروی از طرف همه جمهوری‌های متحده سابق این قرارداد را منعقد کرده بود، آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان، کشورهای ساحلی کنونی و ورثه حقوقی شوروی، نمی‌توانند به‌طور یکجانبه از اجرای آن دست بکشند. به عبارت دیگر، افزایش تعداد کشورهای ساحلی که عوامل حقوق بین‌المللی هستند، در نبودن توافق دیگر بین آنها موجب تجدیدنظر در وضع حقوقی کنونی نمی‌شود.

اما در حقیقت امر، وضعیت دیگری مشاهده می‌شود. جمهوری آذربایجان و قزاقستان کوشش می‌کنند به‌طور یکجانبه بخش فضای آبی را که با سواحل آنها همجوار است، تصاحب کنند. این امر با استخراج نفت و گاز ارتباط دارد. این اقدامات به تعبیری ادامه تخلف از قرارداد شوروی - ایران است. مسئله این است که در زمان خود، دولت شوروی به‌طور یک‌طرفه برای جمهوری‌های شوروی قسمتهای دریای خزر را «بریده» بود و آنها را مسئول فعالیت اقتصادی در این قسمتهای دریا اعلام کرده بود. هرچند که در قرارداد درباره رژیم حقوقی دریای خزر شرایط استخراج و بهره‌برداری از ذخایر معدنی آن به‌طور خاصی ذکر نشده بود، تعیین قسمتهای دریا برای فعالیت اقتصادی اعضای مختلف اتحاد شوروی با اصل قراردادی استفاده مشترک از دریا مغایرت داشت. به همین دلیل کوششهای کنونی سران برخی از کشورهای ساحلی مبنی بر اعلام مرزهای «اداری» سابق به عنوان مرزهای دولتی، با حقوق مغایرت دارد. روسیه، ترکمنستان و ایران با این کوششها مخالفت می‌کنند. آنها همچنین مخالف ورود کشورهای دیگر (قبل از همه ایالات متحده و ترکیه) به دریای خزر بدون موافقت همگانی هستند و لولاینکه این دو کشور در زمان اخیر برای به‌دست آوردن قسمتی از «لقمه نفتی» خزر کوششهای فراوانی را به‌عمل آورده‌اند. آنها در این زمینه به نقض مستقیم پیمانهای بین‌المللی دست می‌زنند چراکه توافق مشترک همه کشورهای ساحلی دریای خزر درباره رژیم حقوقی جدید آن وجود ندارد.

ازجمله، آنکارا تلاشهای زیادی می‌کرد که تصمیم به انتقال نفت از طریق خط لوله در مسیر «باکو - سوپسا» و سپس با نفتکشها تا بندر ترکی ترابوزان اتخاذ شود. آنکارا از انتقال نفت

از باکو تا باتومی هم راضی است. ترکیه برای ممانعت از انتقال نفت از باکو تا نوروسیسک و سپس از طریق دریا به اروپا، کنوانسیون بین‌المللی را نقض کرده و اصل صدور اجازه عبور نفتکشها از تنگه‌های بسفر و داردانل را معرفی کرد. این امر با مقررات بین‌المللی آزادی کشتیرانی مغایرت دارد. کمپانی‌های نفتی ترکی و آمریکایی کنسرسیومی را تشکیل دادند که پیشنهاد تقسیم خزر را به بخشهای ملی مطرح نمود. از طریق توافقهایی که هیچ مبنای حقوقی ندارند، از کشورهای ساحلی به پذیرش این اصل دعوت می‌کنند. در اینجا شعار «تفرقه بینداز و حکومت کن» مورد استفاده قرار می‌گیرد.

متأسفانه، دولتهای ایالات متحده و ترکیه ضمن حمایت از منافع خصوصی شرکتهای خود و با مداخله در امور کشورهای ساحلی، مناقشات منطقه‌ای و جهانی را تحریک می‌کنند که ممکن است در نتیجه تقسیم خزر به بخشهای ملی بروز کنند. این تقسیم می‌تواند موجب فاجعه زیست‌محیطی هم شود. مسئله این است که طبق آمار جهانی، ۷-۹ درصد نفتی که از فلات قاره استخراج می‌شود، بخاطر سوانح گوناگون و کیفیت پایین لوله‌ها و انبارها، به آب دریا می‌ریزد. اگر همه معادن نفتی که قبلاً اکتشاف شده بودند، همزمان مورد بهره‌برداری قرار بگیرند، خطر آلودگی دریا و نابودی سیستم زیست‌محیطی آن افزایش خواهد یافت. کافی است آتش‌سوزی در میدان نفتی تنگیز یادآوری شود که در نتیجه آن قسمت شمالی خزر با آثار مواد سوخته پوشانیده شد و این در حالی است که در همانجا ماهی‌های خاویاری تخم می‌گذارند. شایان ذکر است که بعد از فروپاشی اتحاد شوروی و قطع نظارت بر اوضاع دریای خزر، حجم ماهی‌های خاویاری به یک‌سوم کاهش یافته و این نوع ماهی می‌تواند به‌طور کلی از بین برود. طبق برآوردهای کارشناسان، در صورت صید و باز تولید هماهنگ شده ماهی، فروش آن می‌تواند درآمد بیشتری بدهد تا نفت. از بین رفتن ماهی خاویاری موجب از بین رفتن همه طبقات سیستم زیندگان دریایی و ساحلی خواهد شد. اگر مناطق بکر طبیعی خزر که پناهگاه انبوه پرندگان گوناگون هستند، نابود شوند، برای مناطق متعدد دیگر جهان که این پرندگان از آنجا برای گذراندن زمستان به حوزه خزر می‌آیند، مشکلات فراوانی ایجاد خواهند شد.

برای حفاظت از طبیعت منحصر به فرد خزر، کشتیرانی در این دریا نیز باید هماهنگ شود. در مجموع، تمام فعالیت اقتصادی در خزر و در نزدیکی آن باید جوایگوی معیارهای

امنیت زیست‌محیطی باشد. ولی همه شرکت‌کنندگان در توافقات نفتی خزر فعلاً فقط ملاحظات آبی را مدنظر دارند. در سالهای آینده منطقه خلیج فارس و فلات قاره خزر منابع اصلی نفت خواهند بود. متأسفانه، سیاست روسیه در قفقاز برای مدت زیادی این گرایش را نادیده گرفته و به علت عدم هماهنگی منافع، موجب فاصله‌گیری قابل توجه آذربایجان از روسیه شد (در آذربایجان صدها هزار روس زندگی می‌کنند). تصادفی نیست که آذربایجان که بیش از ۴۹۹ هزار آواره در خاک آن در حالت مصیبت‌باری زندگی می‌کنند و اقتصاد آن ویران شده است، به پول نیاز فراوانی دارد و با وضع حقوقی خزر به عنوان منطقه بسته مخالفت می‌کند.

برای تعیین رژیم حقوقی جدید دریای خزر و نحوه بهره‌برداری از آن مسائل اقتصادی (صید ماهی و استخراج منابع معدنی)، کشتیرانی و محیط‌زیست باید در نظر گرفته شوند که با هم ارتباط دارند. به همین دلیل باید درباره فعالیت مشترک همه کشورهای ساحلی در فضای واحد آبی، زیرآبی و ساحلی توافق کرد. به این منظور باید هیأت مدیره دریای خزر را ایجاد کرد که یک نوع ارگان همکاری دسته‌جمعی خواهد بود. ظاهراً، این ارگان به بررسی کارشناسی همه پروژه‌های مربوط به خزر خواهد پرداخت. در حال حاضر مسئله استخراج مواد هیدروکربور از فلات قاره ساحلی دریا بزرگترین مسائل و اختلافات را ایجاد می‌کند. کشورهای ساحلی و سرمایه‌گذاران خارجی باید درک کنند که بهره‌برداری وسیع و همزمان از همه منابع نفت و گاز خزر نه تنها موجب نابودی سیستم زیست‌محیطی بلکه فروپاشی بازارهای جهانی نفت و بالمآل افت شدید قیمت‌ها خواهد شد. لذا سرمایه‌گذاری‌ها و مخارج آنها جبران نمی‌گردند. به همین دلیل باید یک برنامه استفاده پیگیرانه و بهینه (به لحاظ اقتصادی و زیست‌محیطی) از معادن زیرزمینی خزر طراحی شود. تجربه انعقاد اولین قراردادها در زمینه استخراج نفت در دریای خزر نشان می‌دهد که نمی‌توان بدون تشریک مساعی چند کشور این کار را کرد. طرفداران تقسیم خزر از امکانات ضروری برای استفاده جداگانه از آن بهره‌مند نیستند. برای حل اختلافات بین دولتهای ساحلی خزر و خروج از بن‌بست پیشنهاد می‌شود که رژیم بهره‌برداری از دریا خزر برای هر نوع فعالیت اقتصادی به‌طور خاصی طراحی شود. در زمینه استخراج منابع معدنی می‌توان با استفاده از سابقه موجود به بهره‌برداری مشترک از هر میدان نفتی با تقسیم نابرابر بخشهای مختلف این میدان بین کشورها و مآلاً تقسیم غیرمساوی ذخایر آن پرداخت. تقسیم سهام براساس جبران مافات ناشی از استفاده از



اراضی ساحلی و نواحی صید ماهی در امتداد خط ساحلی یکی از اعضای قرارداد، می باشد. کشوری که با این مشکلات روبه رو می شود، سهام بیشتری را دریافت می کند در حالی که مابقی سهام به طور برابر تقسیم خواهد شد. اما با توجه به لزوم رعایت منافع همه کشورهای ساحلی، هیچ یک از اعضای قرارداد نباید مجموعه تعیین کننده سهام را داشته باشد. هر کشوری می تواند به طور آزاد از سهام خود استفاده کند و حتی آن را به سرمایه گذاران خارجی بفروشد. ولی مجموعه تعیین کننده سهام نباید در دست یکی واقع شود. به عبارت دیگر، فروش سهام باید هماهنگ شود. همچنین، برای کشتیرانی و صید ماهی و باز تولید انبوه ماهیان، رژیم دریای مشترک باید حفظ شود. ممکن است صلاح باشد برای این انواع فعالیت، شرکتهای سهامی بین المللی ایجاد شوند. به علاوه، نوار ۱۰ مایلی ساحلی برای ماهیگیری انحصاری هر کشوری حفظ خواهد شد. اما سهمیه های مشخص صید ماهی خاویاری تعیین خواهند گردید. ظاهراً یک کمپانی بین المللی با سرمایه ویژه مالی باید برای حفاظت محیط زیست منطقه دریای خزر ایجاد شود. پرداختها به این بنیاد باید از بودجه کشورهای ساحلی به تناسب مساحت هر یک از آنها در چارچوب منطقه ۱۰ مایلی محاسبه و پرداخت شوند. غیر از آن مالیاتی که درصد معینی از بهای اسمی سهام همه واحدهای اقتصادی واقع در فاصله معینی از خط ساحلی را تشکیل خواهند داد، به این بنیاد واریز خواهند شد.

منبع: پراودا، ارسالی از نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در مسکو

تاجیکستان در تقاطع زمانها و تمدنها

(نظر امامعلی رحمان اف درباره مخالفان)

گاه پدیده ای ماهیتاً منفی، نتایج مثبتی دربر دارد. برای مثال، خطری بی ثبات شدن یک منطقه بزرگ در نتیجه پیروزی های طالبان در افغانستان در پاییز گذشته موجب برگزاری ملاقات رهبران فدراسیون روسیه و دولت های آسیای مرکزی شد که این جلسه نشان داد که جامعه مشترک المنافع می تواند در منطقه آسیای مرکزی نقش باثبات کننده ای را ایفا کند. به علاوه، ملاقات در آلماتا در اکتبر بر دیالوگ دسامبر رئیس جمهوری تاجیکستان و رهبر اپوزیسیون متحد تاجیک تأثیر مثبتی گذاشت. در نتیجه این ملاقات، توافقی امضا شد که

